

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

سوره مبارکه اسرا، آیه ۷۰

«به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم.»

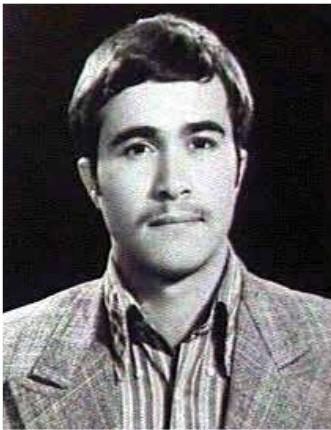
## پیش درآمد

از آن جا که یکی از طرق تربیت و هدایت، همان دادن شخصیت به افراد است، قرآن مجید به دنبال بحث هایی که درباره مشرکان و منحرفان دارد، در این آیه نیز به بیان شخصیت والای نوع بشر و مواهب الهی نسبت به او می پردازد، تا با توجه به این ارزش فوق العاده، به آسانی گوهر خود را نیالاید و خویش را به بهای ناچیزی نفروشد، می فرماید: «و ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.» سپس به سه قسمت از مواهب الهی، نسبت به انسان ها اشاره کرده، می گوید:

«و ما آن ها را (با مرکب های مختلفی که در اختیارشان قرار داده ایم) در خشکی و دریا حمل کردیم» (وَ حَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ).  
دیگر این که: «آن ها را از طیبات روزی دادیم» (وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ).  
سوم این که: «ما آن ها را بر بسیاری از مخلوقات خود فضیلت و برتری دادیم» (وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا).  
تنها موجودی که از نیروهای مختلف، مادی و معنوی،

جسمانی و روحانی تشکیل شده، و می تواند در لابه لای تضادها پرورش پیدا کند و استعداد تکامل و پیش روی نامحدود دارد، انسان است.  
حدیث معروفی که از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده نیز شاهد روشنی بر این مدعاست، آن جا که می فرماید: «خداوند خلق عالم را بر سه گونه آفرید: فرشتگان و حیوانات و انسان، فرشتگان عقل دارند بدون شهوت و غضب، حیوانات مجموعه ای از شهوت و غضبند و عقل ندارند، اما انسان مجموعه ای است از هر دو؛ تا کد امین

غالب آید، اگر عقل او بر شهوتش غالب شود، از فرشتگان برتر است و اگر شهوتش بر عقلش چیره گردد، از حیوانات پست تر». نمونه بارز انسان های برگزیده خداوند که راه تکامل و سیر صعودی انسانیت را پیش گرفته و به بالاترین و والاترین مقام هستی، یعنی «نظر به وجه الله» رسیده اند، شهدا هستند. آن ها در ابتدا نفسانیت خود را تا حد امکان از بین برده و تلاش کرده اند تا ویژگی های بارز مؤمنان را که در قرآن کریم آمده است در خود پرورش دهند. حسین خرازی نیز، یکی از همان بندگان برگزیده خداوند است.



حسین خرازی، به تاریخ یک شهریورماه ۱۳۳۶، در منطقه کوی کلم شهر اصفهان زاده شد. او از اوان کودکی، به دلیل داشتن خانواده ای متدین و معتقد، با آموزه های دینی و مذهبی تربیت یافته و پایه های اعتقادی اش در محیط خانواده شکل گرفت. حسین، به دلیل علاقه ای

که به تحصیل علوم دینی داشت، در کنار تحصیلات کلاسیک در مدرسه، به فراگیری مقدمات و مبانی دروس حوزوی روی آورد. در همین اثنا، آرام آرام با مسائل سیاسی و مبارزاتی نیز آشنا شد. او علاقه زیادی به مطالعه جزوات و کتاب های مربوط به اسلام و سیاست نشان می داد

مخالفان انقلاب در داخل کشور تلاش می کردند تا این نهال نوپا را از ریشه بیرون بیاورند. او ابتدا در مسجد محله خودشان، شروع به فعالیت های فرهنگی و مذهبی، از جمله برگزاری کلاس های تفسیر قرآن، ورزش صبحگاهی، احکام و... کرد؛ اما با تشکیل کمیته های انقلاب اسلامی،

نیروهای اعزامی و پشتیبانی از آن ها را به عهده داشت.

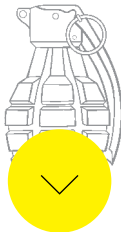
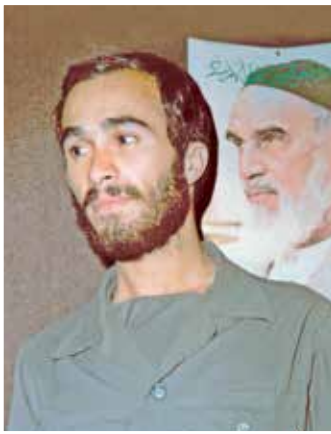
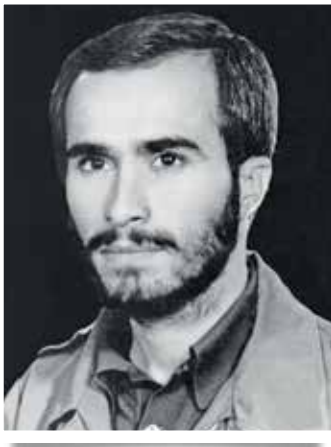
مدت کوتاهی پس از آرام گرفتن شورش سیستان و بلوچستان و تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دشمنان انقلاب این بار از کردستان سر درآوردند و با پیش روی سریع خود و با پشتیبانی عراق، با سرعت مناطق بسیار زیادی از استان کردستان را به اشغال خود درآورده و اعلام استقلال نمودند. امام خمینی (ره)، در حکمی تاریخی اعلام کردند که کردستان باید هرچه سریع تر آزاد گردد. به دنبال این پیام، خیل عظیمی از نیروهای سپاهی و مردم عادی، خواستار اعزام به کردستان و مبارزه با ضد انقلاب شدند. حسین خرازی نیز که به سپاه پاسداران پیوسته بود، به همراه علی رضاییان و تعدادی نیرو به کردستان اعزام شد. او خیلی زود، با استفاده از دو عنصر همیشگی اش، یعنی هوش و تجربه، گروهی تشکیل داد که به گروه ضربت مشهور شد. این گروه، بسیار زبده بودند و با اقدامات عالی و موثری که انجام دادند، خیلی زود نامشان بر سر زبان ها افتاد. به طوری که ضد انقلاب، از شنیدن نام گروه ضربت و حسین خرازی نیز وحشت کرده و عقب نشینی می کردند. گروه ضربت، به همراه ارتش و سایر نیروها و با تدایمی که حسین خرازی اندیشید، با همکاری موثر سران قبایل کرد توانست مناطق بسیاری از کردستان را از چنگ ضد انقلاب آزاد نموده و آرامشی نسبتا پایدار را در آن منطقه به وجود آورد. آن ها به مدت تقریباً سه ماه در منطقه کردستان حضور داشتند تا این که جنگ تحمیلی از سوی عراق آغاز شده و رژیم بعث به صورت رسمی، تجاوز به خاک ایران را اعلام و اجرا نمود. گروه ضربت به فرماندهی حسین خرازی، بلافاصله پس از اطلاع از این خبر، با مراجعه به فرماندهی کل خواستار اعزام به جنوب شدند. در ابتدا فرماندهان، با این استدلال که در صورت اطلاع ضد انقلاب از خروج گروه ضربت، شورش ها دوباره آغاز شده و منطقه کردستان بار دیگر ناامن خواهد شد، با این درخواست مخالفت نمودند، اما با اصرارهای فراوان حسین خرازی به عنوان فرمانده گروه، بالاخره ایشان به منطقه جنوب اعزام شدند.



حسین خرازی به سرعت به نیروهای کمیته پیوست تا با استفاده از تجاربی که در طول خدمت سربازی و در جنگ عمان به دست آورده بود، بتواند با مخالفان داخلی مبارزه نموده و از انقلاب اسلامی دفاع کند. به دلیل توانایی ها و استعداد بالایی که داشت، خیلی زود در اصفهان مسئولیت های مختلفی را به عهده گرفت تا این که به دنبال آغاز غائله گنبد و بندر ترکمن، او نیز به همراه عده ای دیگر از انقلابیون به آن منطقه اعزام شد. در آن مقطع، با وجود اصرارهای فراوان مسئولین بالاتر مبنی بر این که حسین خرازی فرماندهی کل نیروهای اعزامی از استان اصفهان را بپذیرد، از پذیرفتن این مسئولیت امتناع ورزید و تنها فرماندهی یک دسته را به عهده گرفت. با این وجود، به دلیل لیاقتی که از خود نشان داد، به مدت سه ماه به عنوان مسئول عملیات در بندر ترکمن و گنبد منصوب شد. اما پس از گذشت سه ماه، به اصفهان بازگشت. ضد انقلاب که از فعالیت در قسمت شمال و شمال شرقی ناامید شده بود، فتنه ای تازه در منطقه سیستان و بلوچستان را آغاز کرد. این بار، حسین خرازی خود در منطقه حضور نیافت و در اصفهان، مسئولیت سامان دادن به

ورفته رفته، به خط انقلابیون و پیروان مکتب فکری امام خمینی (ره) پیوست. در سال ۱۳۵۵ و پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته طبیعی، حسین خرازی برای دوره وظیفه عمومی در ارتش شاهنشاهی به مشهد اعزام شد. با هوش سرشاری که داشت، خیلی زود مسائل و مهارت های نظامی را آموخت و تجارب زیادی کسب کرد. به زودی، او نیز به همراه عده ای دیگر از سربازان ارتش، برای شرکت در عملیات ظفار به عمان اعزام شد. حسین خرازی شدیداً و قلباً با این سفر مخالف بود و آن را گناهی بزرگ می دانست.

هم زمان با شدت گرفتن خیزش مردم علیه رژیم ستم شاهی در سال ۱۳۵۷، و در پی صدور فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر این که سربازان پادگان ها را تخلیه نمایند، حسین خرازی نیز به همراه برادرش، از پادگان فرار کرده و به خیل عظیم مردم پیوست. پس از پیروزی قطعی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، هنوز عده ای از



با تشکیل کمیته های انقلاب اسلامی، حسین خرازی به سرعت به نیروهای کمیته پیوست تا با استفاده از تجاربی که در طول خدمت سربازی و در جنگ عمان به دست آورده بود، بتواند با مخالفان داخلی مبارزه نموده و از انقلاب اسلامی دفاع کند